

Hoofdstuk ۱ – Ik ben Drenthe

فصل اول – من درننه هستم

Ik ben Drenthe.

Misschien hoor je mijn naam minder vaak dan die van Amsterdam.

Of Rotterdam.

Of Utrecht.

فصل اول – من درننه هستم

من درننه هستم.

شاید نام مرا کمتر از آمستردام شنیده باشی.

یا روتردام.

یا اوترخت.

Ik heb geen enorme haven.

Geen internationale luchthaven.

Geen miljoenenstad.

من بندر عظیم ندارم.

فرودگاه بین‌المللی بزرگ ندارم.

و شهر چندمیلیونی ندارم.

Toch ben ik ouder dan veel plaatsen die beroemder zijn dan ik.

با این حال از بسیاری از مکان‌هایی که از من مشهورتر هستند، قدیمی‌ترم.

Mijn verhaal begon duizenden jaren geleden.

Lang voordat Nederland bestond.

داستان من هزاران سال پیش آغاز شد.

خیلی پیش از آنکه هلند وجود داشته باشد.

De eerste bewoners

Lang geleden zag mijn landschap er anders uit.

نخستین ساکنان

خیلی سال پیش چشم انداز من متفاوت بود.

Er waren geen snelwegen.

Geen spoorlijnen.

Geen steden.

نه بزرگراهی وجود داشت.

نه راه آهنی.

و نه شهری.

Er waren bossen.

Moerassen.

Heidevelden.

جنگل ها وجود داشتند.

باتلاق ها.

و دشت های هدر.

En er waren mensen.

و انسان ها.

Mensen die leefden van de natuur.

انسان هایی که از طبیعت زندگی می کردند.

Die jaagden.

Visten.

En verzamelden wat het land hun gaf.

شکار می کردند.

ماهی می گرفتند.

و آنچه طبیعت در اختیارشان می گذاشت جمع آوری می کردند.

De stenen reuzen

Wanneer bezoekers vandaag door Drenthe reizen, zien zij iets bijzonders.

غول‌های سنگی

امروزه وقتی بازدیدکنندگان در درنثه سفر می‌کنند، چیز ویژه‌ای می‌بینند.

Grote stenen.

Zware stenen.

Stenen die hier al duizenden jaren liggen.

سنگ‌های بزرگ.

سنگ‌های عظیم.

سنگ‌هایی که هزاران سال است در اینجا قرار دارند.

Dat zijn de hunebedden.

آن‌ها هونِبِدَن‌ها هستند.

De oudste monumenten van Nederland.

قدیمی‌ترین بناهای تاریخی هلند.

Lang voordat er kerken waren.

Lang voordat er kastelen waren.

Stonden deze stenen hier al.

خیلی پیش از آنکه کلیساها ساخته شوند.

خیلی پیش از آنکه قلعه‌ها به وجود آیند.

این سنگ‌ها همین‌جا قرار داشتند.

Niemand weet precies hoeveel mensen nodig waren om ze te bouwen.

هیچ‌کس دقیقاً نمی‌داند چند نفر برای ساخت آن‌ها لازم بوده‌اند.

Maar iedereen begrijpt dat het een enorme prestatie was.

اما همه می‌دانند که این کار دستاوردی عظیم بوده است.

Stilte

Misschien is stilte altijd een deel van mijn karakter geweest.

سکوت

شاید سکوت همیشه بخشی از شخصیت من بوده است.

Zelfs vandaag nog.

حتی امروز نیز.

Wanneer je door delen van Drenthe reist, merk je iets op.

وقتی در بخش‌هایی از درننه سفر می‌کنی، متوجه چیزی می‌شوی.

Er is ruimte.

فضا وجود دارد.

Er is lucht.

آسمان باز وجود دارد.

Er is rust.

آرامش وجود دارد.

En dat is zeldzaam geworden.

و این روزها چنین چیزی کمیاب شده است.

Niet arm aan mensen

Sommige mensen denken dat rust betekent dat er weinig gebeurt.

نه فقیر از انسان‌ها

بعضی‌ها تصور می‌کنند آرامش یعنی اتفاق زیادی نمی‌افتد.

Maar dat klopt niet.

اما این درست نیست.

Mijn verhaal bestaat uit duizenden verhalen.

داستان من از هزاران داستان تشکیل شده است.

Van boeren.

Van leraren.

Van ondernemers.

Van kinderen.

Van ouderen.

از کشاورزان.

از معلمان.

از کارآفرینان.

از کودکان.

و از سالمندان.

Iedereen schrijft mee aan mijn geschiedenis.

همه در نوشتن تاریخ من سهم دارند.

Assen

Vandaag is Assen mijn hoofdstad.

آسن

امروز آسن مرکز استان من است.

Niet de grootste stad.

Maar wel het bestuurlijke hart.

نه بزرگترین شهر.
اما قلب اداری استان.

Hier worden beslissingen genomen.

در اینجا تصمیم‌ها گرفته می‌شوند.

Hier werken provinciale bestuurders.

در اینجا مدیران استانی فعالیت می‌کنند.

Maar Assen is meer dan een hoofdstad.

اما آسن چیزی فراتر از یک مرکز اداری است.

Het is ook een stad van geschiedenis.

Van cultuur.

Van onderwijs.

شهری است با تاریخ.
با فرهنگ.
و با آموزش.

En dit is nog maar het begin van mijn verhaal.

و این تنها آغاز داستان من است.

Hoofdstuk ۲ – De hunebedden en het geheim van Drenthe

فصل دوم – هونبدها و راز درخته

Hoofdstuk ۲ – De hunebedden en het geheim van Drenthe

فصل دوم – هونبدها و راز درخته

Wanneer mensen voor het eerst een hunebed zien, reageren zij vaak hetzelfde.

فصل دوم – هونبدها و راز درخته

وقتی مردم برای نخستین بار یک هونبد را می‌بینند، معمولاً واکنشی مشابه دارند.

Hoe hebben mensen dit gebouwd?

چطور انسان‌ها این را ساخته‌اند؟

Die vraag wordt al generaties lang gesteld.

این پرسش نسل‌هاست که مطرح می‌شود.

Grote stenen

De stenen waaruit een hunebed bestaat zijn enorm.

سنگ‌های عظیم

سنگ‌هایی که هونیدن‌ها را تشکیل می‌دهند بسیار بزرگ هستند.

Sommige wegen tientallen tonnen.

بعضی از آن‌ها ده‌ها تن وزن دارند.

Zelfs met moderne machines zou het geen eenvoudige klus zijn.

حتی با ماشین‌آلات امروزی نیز جابه‌جایی آن‌ها کار آسانی نیست.

Duizenden jaren geleden

Maar de bouwers hadden geen kranen.

Geen vrachtwagens.

Geen machines.

هزاران سال پیش

اما سازندگان آن‌ها جرثقیل نداشتند.

کامیون نداشتند.

و هیچ ماشین مدرنی در اختیارشان نبود.

Toch slaagden zij erin.

با این حال موفق شدند.

Dat maakt indruk op iedereen die hier komt.

و همین موضوع بر هر بازدیدکننده‌ای تأثیر می‌گذارد.

Een grafmonument

Hunebedden waren geen woningen.

آرامگاه‌های سنگی

هون‌بدها خانه نبودند.

Het waren grafmonumenten.

آنها آرامگاه بودند.

Plaatsen waar mensen hun doden begroeven.

مکان‌هایی که مردم مردگان خود را دفن می‌کردند.

Dat betekent dat deze plekken duizenden jaren geleden al belangrijk waren.

این یعنی این مکان‌ها هزاران سال پیش نیز اهمیت داشته‌اند.

Mysterie

Toch blijven er veel vragen bestaan.

راز

با این حال هنوز پرسش‌های زیادی باقی مانده است.

Wie waren precies de mensen die ze bouwden?

دقیقاً چه کسانی آنها را ساختند؟

Hoe leefden zij?

چگونه زندگی می‌کردند؟

Waar geloofden zij in?

به چه چیزهایی باور داشتند؟

Niemand kent alle antwoorden.

هیچکس همه پاسخها را نمی‌داند.

Het landschap bewaart herinneringen

Misschien is dat waarom zoveel mensen gefascineerd blijven.

چشم‌انداز، خاطره‌ها را حفظ می‌کند

شاید به همین دلیل است که مردم همچنان مجذوب این بناها می‌شوند.

De stenen liggen er nog steeds.

سنگ‌ها هنوز همان‌جا قرار دارند.

Door regen.

Door sneeuw.

Door wind.

در برابر باران.

برف.

و باد.

Zij hebben duizenden jaren overleefd.

آن‌ها هزاران سال دوام آورده‌اند.

De provincie van de hunebedden

Wanneer Nederlanders aan Drenthe denken, denken velen meteen aan

hunebedden.

استان هونیدن‌ها

وقتی هلندی‌ها به درننته فکر می‌کنند، بسیاری فوراً به هونیدن‌ها فکر می‌کنند.

Dat is niet vreemd.

این عجیب نیست.

Nergens in Nederland vind je er zoveel als hier.

در هیچ نقطه‌ای از هلند به اندازه اینجا هوید وجود ندارد.

Ze zijn een deel van mijn identiteit geworden.

آن‌ها بخشی از هویت من شده‌اند.

Meer dan stenen

Maar uiteindelijk vertellen de hunebedden niet alleen een verhaal over stenen.

چیزی فراتر از سنگ

اما در نهایت هویدها فقط داستان سنگ‌ها را روایت نمی‌کنند.

Zij vertellen een verhaal over mensen.

آن‌ها داستان انسان‌ها را روایت می‌کنند.

Over samenwerking.

درباره همکاری.

Over geloof.

درباره باورها.

Over herinnering.

درباره یادبود و خاطره.

En misschien ook over de wens om iets achter te laten dat langer leeft dan
wijzelf.

و شاید درباره این آرزو که چیزی از خود به جا بگذاریم که بیشتر از ما عمر کند.

Hoofdstuk ۳ – De heidevelden van Drenthe

فصل سوم – دشت‌های هدر درننه

Lang voordat toeristen naar Drenthe kwamen, waren de heidevelden er al.

فصل سوم – دشت‌های هدر درننه

خیلی پیش از آنکه گردشگران به درننه بیایند، دشت‌های هدر وجود داشتند.

Uitgestrekt.

Rustig.

Bijna eindeloos.

گسترده.

آرام.

و تقریباً بی‌پایان.

Paars landschap

Aan het einde van de zomer gebeurt er iets bijzonders.

چشم‌انداز بنفش

در پایان تابستان اتفاق ویژه‌ای رخ می‌دهد.

De heide begint te bloeien.

گل‌های هدر شکوفا می‌شوند.

Grote delen van het landschap kleuren paars.

بخش‌های بزرگی از چشم‌انداز به رنگ بنفش درمی‌آیند.

Voor veel bezoekers is dat een van de mooiste momenten van het jaar.

برای بسیاری از بازدیدکنندگان، این یکی از زیباترین لحظات سال است.

Rust

Mensen komen hier niet voor grote attracties.

آرامش

مردم برای جاذبه‌های عظیم به اینجا نمی‌آیند.

Niet voor wolkenkrabbers.

Niet voor drukke winkelstraten.

نه برای آسمان‌خراش‌ها.

و نه برای خیابان‌های شلوغ خرید.

Zij komen voor rust.

آن‌ها برای آرامش می‌آیند.

Wandelen

Op veel dagen zie je wandelaars door het landschap trekken.

پیاده‌روی

در بسیاری از روزها می‌توان پیاده‌روها را دید که از میان طبیعت عبور می‌کنند.

Sommigen wandelen een paar kilometer.

بعضی چند کیلومتر راه می‌روند.

Anderen trekken een hele dag door de natuur.

و بعضی تمام روز را در طبیعت سپری می‌کنند.

Fietsen

Drenthe is ook een provincie van fietsers.

دوچرخه‌سواری

درنته همچنین استان دوچرخه‌سواران است.

De rustige wegen maken lange fietstochten aantrekkelijk.

جاده‌های آرام، سفرهای طولانی با دوچرخه را جذاب می‌کنند.

De lucht

Wie in Drenthe woont, kijkt vaak omhoog.

آسمان

کسی که در درننه زندگی می‌کند، اغلب به آسمان نگاه می‌کند.

De lucht lijkt hier groter.

آسمان در اینجا بزرگتر به نظر می‌رسد.

De horizon verder.

و افق دورتر.

Misschien komt dat door de ruimte.

شاید به دلیل فضای باز باشد.

Misschien door de rust.

یا به دلیل آرامش.

Een landschap dat ademt

Sommige landschappen maken indruk door hun grootte.

چشم‌اندازی که نفس می‌کشد

بعضی چشم‌اندازها به خاطر عظمتشان تأثیرگذار هستند.

Andere door hun schoonheid.

بعضی دیگر به خاطر زیبایی‌شان.

Drenthe doet vaak iets anders.

اما درننه اغلب کار دیگری انجام می‌دهد.

Het laat mensen vertragen.

مردم را وادار می‌کند کمی آهسته‌تر شوند.

En soms is dat precies wat zij nodig hebben.

و گاهی دقیقاً همین چیزی است که انسان به آن نیاز دارد.

Hoofdstuk ۴ – Assen, het bestuurlijke hart van Drenthe

فصل چهارم – آسن، قلب اداری درننه

Hoofdstuk ۴ – Assen, het bestuurlijke hart van Drenthe

فصل چهارم – آسن، قلب اداری درننه

Wanneer mensen over Drenthe praten, noemen zij vaak Assen.

Niet omdat het de grootste stad is.

Maar omdat het mijn hoofdstad is.

فصل چهارم – آسن، قلب اداری درننه

وقتی مردم درباره درننه صحبت می‌کنند، اغلب از آسن نام می‌برند.

نه به این دلیل که بزرگترین شهر است.

بلکه چون مرکز استان من است.

Een rustige hoofdstad

Wie voor het eerst in Assen komt, verwacht misschien een drukke stad.

پایتختی آرام

کسی که برای نخستین بار به آسن می‌آید، شاید انتظار شهری بسیار شلوغ را داشته باشد.

Maar Assen voelt anders.

اما آسن حس متفاوتی دارد.

De stad is overzichtelijk.

Groen.

En vriendelijk.

شهر منظم است.

سبز است.

و فضایی دوستانه دارد.

Bestuur

Hier bevindt zich het provinciebestuur van Drenthe.

مدیریت استان

در اینجا مدیریت استانی درنثه قرار دارد.

Besluiten worden genomen.

Plannen worden gemaakt.

تصمیم‌ها گرفته می‌شوند.

و برنامه‌ها تدوین می‌شوند.

Over natuur.

Over economie.

Over wonen.

درباره طبیعت.

درباره اقتصاد.

و درباره مسکن.

Geschiedenis

Maar Assen is niet alleen een bestuursstad.

تاریخ

اما آسن فقط یک شهر اداری نیست.

Ook hier leeft geschiedenis.

تاریخ نیز در اینجا زنده است.

In oude gebouwen.

In musea.

En in verhalen van bewoners.

در ساختمان‌های قدیمی.

در موزه‌ها.

و در داستان‌های ساکنان.

Het Drents Museum

Misschien is geen enkele plek zo verbonden met de geschiedenis van Drenthe als het Drents Museum.

موزه درنتس

شاید هیچ مکانی به اندازه موزه درنتس با تاریخ درنته پیوند نداشته باشد.

Hier komen duizenden jaren geschiedenis samen.

در اینجا هزاران سال تاریخ در کنار هم قرار می‌گیرند.

Van de hunebedbouwers.

Tot de moderne tijd.

از سازندگان هونبدها.

تا دوران مدرن.

Studenten en scholieren

Iedere ochtend trekken scholieren naar hun lessen.

دانش‌آموزان و دانشجویان

هر صبح دانش‌آموزان راهی کلاس‌های خود می‌شوند.

Zij vormen een deel van de toekomst van Drenthe.

آن‌ها بخشی از آینده درننه را شکل می‌دهند.

Een menselijke schaal

Misschien is dat wat Assen bijzonder maakt.

مقیاس انسانی

شاید همین موضوع آسن را خاص می‌کند.

Het is een hoofdstad.

Maar geen overweldigende hoofdstad.

این شهر یک مرکز استان است.

اما مرکز استانی عظیم و خسته‌کننده نیست.

Mensen voelen zich hier snel thuis.

مردم در اینجا خیلی زود احساس راحتی می‌کنند.

Hoofdstuk ۵ – TT Assen en de snelheid van Drenthe

فصل پنجم – تی‌تی آسن و سرعت درننه

Wie denkt dat Drenthe alleen maar rust kent, kent maar een deel van het verhaal.

فصل پنجم – تی‌تی آسن و سرعت درننه

کسی که فکر می‌کند درننه فقط سرزمین آرامش است، تنها بخشی از داستان را می‌شناسد.

Want één keer per jaar verandert Assen volledig.

زیرا سالی یک بار آسن کاملاً تغییر می‌کند.

Het geluid van motoren

Van ver hoor je het geluid al.

صدای موتورها

از دور صدای آن شنیده می‌شود.

Motoren.

Duizenden motoren.

موتور سیکلت‌ها.

هزاران موتور سیکلت.

Mensen komen uit heel Nederland.

مردم از سراسر هلند می‌آیند.

En uit vele andere landen.

و از کشورهای مختلف دیگر.

TT Circuit Assen

Het TT Circuit behoort tot de bekendste racecircuits van Europa.

پیست تی‌تی آسن

پیست تی‌تی آسن از مشهورترین پیست‌های مسابقه اروپا است.

Generaties motorsportliefhebbers kennen deze plek.

نسل‌های مختلف علاقه‌مندان به موتورسواری این مکان را می‌شناسند.

Een traditie

Voor veel inwoners hoort de TT bij Drenthe.

یک سنت

برای بسیاری از ساکنان، مسابقه تی‌تی بخشی از هویت درنثه است.

Net zoals de heide.

Of de hunebedden.

درست مانند دشت‌های هدر.

یا هونبدها.

Economische betekenis

Tijdens grote evenementen profiteren hotels.

Restaurants.

Winkels.

اهمیت اقتصادی

در زمان رویدادهای بزرگ، هتل‌ها سود می‌برند.

رستوران‌ها.

و فروشگاه‌ها.

Bezoekers brengen leven en inkomsten naar de regio.

بازدیدکنندگان به منطقه رونق و درآمد می‌آورند.

Twee gezichten

Misschien laat de TT iets belangrijks zien.

دو چهره

شاید تی‌تی نکته مهمی را نشان می‌دهد.

Drenthe heeft twee gezichten.

درنته دو چهره دارد.

De rust van de natuur.

آرامش طبیعت.

En de energie van grote evenementen.

و انرژی رویدادهای بزرگ.

Beide horen bij de provincie.

و هر دو بخشی از این استان هستند.

Hoofdstuk ٦ – Emmen, de grootste stad van Drenthe

فصل ششم – اِمن، بزرگترین شهر درنِته

Wanneer mensen naar inwonersaantallen kijken, staat Emmen bovenaan.

فصل ششم – اِمن، بزرگترین شهر درنِته

وقتی به تعداد جمعیت نگاه کنیم، اِمن در صدر قرار دارد.

Het is de grootste stad van Drenthe.

این شهر بزرگترین شهر درنِته است.

Een andere geschiedenis

Emmen groeide anders dan veel oude Nederlandse steden.

تاریخی متفاوت

اِمن مسیر رشد متفاوتی نسبت به بسیاری از شهرهای قدیمی هلند داشته است.

Het begon als een dorp.

این مکان در ابتدا یک روستا بود.

Maar groeide in de twintigste eeuw sterk.

اما در قرن بیستم رشد زیادی کرد.

Werk en industrie

Nieuwe bedrijven kwamen naar de regio.

کار و صنعت

شرکت‌های جدید به منطقه آمدند.

Mensen vonden werk.

مردم شغل پیدا کردند.

Wijken werden gebouwd.

محله‌های جدید ساخته شدند.

Wildlands

Tegenwoordig kennen veel Nederlanders Emmen vanwege Wildlands.

وایدلندز

امروزه بسیاری از هلندی‌ها امن را به خاطر پارک Wildlands می‌شناسند.

Een groot dierenpark dat bezoekers uit het hele land trekt.

یک پارک بزرگ جانورشناسی که بازدیدکنندگان را از سراسر کشور جذب می‌کند.

Gezinnen

Voor veel gezinnen is een bezoek aan Emmen een dagje uit.

خانواده‌ها

برای بسیاری از خانواده‌ها، سفر به امن یک گردش خانوادگی است.

Kinderen ontdekken dieren.

کودکان حیوانات را کشف می‌کنند.

Ouders genieten van de omgeving.

والدین از محیط لذت می‌برند.

De toekomst van Emmen

De stad blijft zich ontwikkelen.

آینده امن

این شهر همچنان در حال توسعه است.

Nieuwe woningen.

Nieuwe bedrijven.

Nieuwe plannen.

خانه‌های جدید.

شرکت‌های جدید.

و برنامه‌های جدید.

En daarmee groeit ook een nieuw hoofdstuk van Drenthe.

و همراه با آن، فصل تازه‌ای از داستان درننه نیز رشد می‌کند.

Hoofdstuk ۷ – De boeren van Drenthe

فصل هفتم – کشاورزان درننه

Hoofdstuk ۷ – De boeren van Drenthe

فصل هفتم – کشاورزان درننه

Wanneer mensen aan Drenthe denken, denken zij vaak aan natuur.

Aan hunebedden.

Aan rust.

فصل هفتم – کشاورزان درننه

وقتی مردم به درننه فکر می‌کنند، اغلب به طبیعت فکر می‌کنند.

به هونبدها.

و به آرامش.

Maar een groot deel van mijn verhaal speelt zich af op het land.

اما بخش بزرگی از داستان من در زمین‌های کشاورزی اتفاق می‌افتد.

Generaties

In veel Drentse families wordt al generaties lang geboerd.

نسل‌ها

در بسیاری از خانواده‌های درننه، نسل‌هاست که کشاورزی انجام می‌شود.

Grootouders werkten op het land.

Hun kinderen ook.

En soms nu nog steeds hun kleinkinderen.

پدر بزرگ‌ها روی زمین کار می‌کردند.

فرزندانشان نیز همین کار را کردند.

و گاهی امروز نوه‌هایشان نیز همین راه را ادامه می‌دهند.

Het ritme van de seizoenen

Voor boeren wordt het jaar niet alleen bepaald door een kalender.

ریتم فصل‌ها

برای کشاورزان، سال فقط با تقویم تعیین نمی‌شود.

Maar door de natuur.

بلکه توسط طبیعت.

Door regen.

Door zon.

Door de seizoenen.

توسط باران.

خورشید.

و فصل‌ها.

Vroeg opstaan

Veel boeren beginnen hun dag voordat de zon opkomt.

بیدار شدن در سپیده‌دم

بسیاری از کشاورزان پیش از طلوع خورشید روز خود را آغاز می‌کنند.

Wanneer de meeste mensen nog slapen, zijn zij al aan het werk.

وقتی بیشتر مردم هنوز خواب هستند، آن‌ها مشغول کارند.

Akkers

Overall in Drenthe liggen akkers.

زمین‌های زراعی

در سراسر درن‌ته زمین‌های کشاورزی گسترده شده‌اند.

Sommige vol aardappelen.

Andere met graan.

Weer andere met suikerbieten.

بعضی پر از سیب‌زمینی هستند.

بعضی با غلات پوشیده شده‌اند.

و برخی دیگر با چغندر قند.

Veeteelt

Ook veehouderij speelt een belangrijke rol.

دامداری

دامداری نیز نقش مهمی دارد.

Koeien grazen in de weilanden.

گاوها در مراتع چرا می‌کنند.

Hun aanwezigheid hoort bij het landschap van Drenthe.

حضور آن‌ها بخشی از چشم‌انداز درن‌ته است.

Moderne landbouw

Toch is landbouw vandaag anders dan vroeger.

کشاورزی مدرن

با این حال کشاورزی امروز با گذشته متفاوت است.

Machines zijn moderner.

Technologie speelt een grotere rol.

ماشین‌آلات مدرن‌تر شده‌اند.

و فناوری نقش پررنگ‌تری پیدا کرده است.

Boeren gebruiken gegevens, satellieten en computers om hun werk efficiënter te maken.

کشاورزان از داده‌ها، ماهواره‌ها و رایانه‌ها برای کارآمدتر کردن فعالیت‌های خود استفاده می‌کنند.

Uitdagingen

Het boerenleven is niet altijd eenvoudig.

چالش‌ها

زندگی کشاورزی همیشه آسان نیست.

Prijzen veranderen.

Regels veranderen.

Het klimaat verandert.

قیمت‌ها تغییر می‌کنند.

قوانین تغییر می‌کنند.

و آب‌وهوا نیز تغییر می‌کند.

Daarom moeten boeren zich voortdurend aanpassen.

به همین دلیل کشاورزان دائماً باید خود را با شرایط جدید تطبیق دهند.

Meer dan werk

Voor veel boeren is landbouw niet zomaar een beroep.

چیزی فراتر از یک شغل

برای بسیاری از کشاورزان، کشاورزی فقط یک شغل نیست.

Het is een manier van leven.

بلکه یک شیوه زندگی است.

Een band met het land.

پیوندی با زمین.

Een verantwoordelijkheid voor de volgende generatie.

و مسئولیتی در برابر نسل بعد.

Hoofdstuk ۸ – De dorpen van Drenthe

فصل هشتم – روستاهای درنثه

Hoewel steden groeien, blijft Drenthe een provincie van dorpen.

فصل هشتم – روستاهای درنثه

اگرچه شهرها رشد می‌کنند، درنثه همچنان استانی با روستاهای فراوان است.

Kleine gemeenschappen

Sommige dorpen hebben slechts enkele honderden inwoners.

جوامع کوچک

بعضی روستاها فقط چند صد نفر جمعیت دارند.

Andere zijn groter.

برخی دیگر بزرگتر هستند.

Maar bijna allemaal hebben zij een sterk gemeenschapsgevoel.

اما تقریباً همه آنها حس قوی تعلق اجتماعی دارند.

Elkaar kennen

In veel dorpen kennen mensen elkaar nog.

شناخت یکدیگر

در بسیاری از روستاها مردم هنوز یکدیگر را می‌شناسند.

Niet iedereen.

Maar wel veel meer dan in grote steden.

نه همه را.

اما بسیار بیشتر از شهرهای بزرگ.

Verenigingen

Dorpsverenigingen spelen een belangrijke rol.

انجمن‌ها

انجمن‌های محلی نقش مهمی دارند.

Zij organiseren activiteiten.

آنها فعالیت‌های مختلف را سازمان‌دهی می‌کنند.

Feesten.

Sport.

Culturele evenementen.

جشن‌ها.

ورزش.

و رویدادهای فرهنگی.

Vrijwilligers

Veel activiteiten bestaan dankzij vrijwilligers.

داوطلبان

بسیاری از فعالیت‌ها به لطف داوطلبان ممکن می‌شوند.

Mensen die hun tijd geven zonder daarvoor betaald te worden.

افرادی که بدون دریافت دستمزد، وقت خود را در اختیار جامعه قرار می‌دهند.

Dorpshuizen

In veel dorpen vormt het dorpshuis het hart van de gemeenschap.

خانه‌های روستایی

در بسیاری از روستاها، مرکز اجتماعی روستا قلب جامعه محلی است.

Mensen ontmoeten elkaar daar.

مردم در آنجا یکدیگر را ملاقات می‌کنند.

Kinderen sporten er.

کودکان در آنجا ورزش می‌کنند.

Ouderen drinken er koffie.

سالمندان در آنجا قهوه می‌نوشند.

Verandering

Ook dorpen veranderen.

تغییر

روستاها نیز تغییر می‌کنند.

Jongeren vertrekken soms naar grotere steden.

گاهی جوانان به شهرهای بزرگتر می‌روند.

Nieuwe bewoners komen juist weer naar Drenthe vanwege de rust.

و در مقابل، ساکنان جدیدی به خاطر آرامش به درننه مهاجرت می‌کنند.

Het hart van Drenthe

Misschien vormen de dorpen nog steeds het hart van de provincie.

قلب درننه

شاید روستاها هنوز قلب واقعی این استان باشند.

Want hier zie je veel van de waarden die Drenthe kenmerken.

زیرا در اینجا بسیاری از ارزش‌هایی دیده می‌شوند که درنته را تعریف می‌کنند.

Rust.

Betrokkenheid.

Gemeenschap.

En verbondenheid.

آرامش.

مشارکت.

جامعه.

و احساس تعلق.

Hoofdstuk ۹ – Westerbork en de herinnering aan de oorlog

فصل نهم – وستربورک و یاد جنگ

Hoofdstuk ۹ – Westerbork en de herinnering aan de oorlog

فصل نهم – وستربورک و یاد جنگ

Niet alle verhalen van Drenthe zijn licht.

Niet alle hoofdstukken gaan over natuur.

Of rust.

فصل نهم – وستربورک و یاد جنگ

همه داستان‌های درنته روشن و آرام نیستند.

همه فصل‌ها درباره طبیعت نیستند.

یا درباره آرامش.

Sommige verhalen zijn moeilijk.

بعضی داستان‌ها دشوار هستند.

Maar juist daarom moeten zij verteld blijven worden.

و دقیقاً به همین دلیل باید همچنان روایت شوند.

Westerbork

In het midden van Drenthe ligt een plek die wereldwijd bekend werd.

Westerbork.

وستربورک

در مرکز درننه مکانی قرار دارد که در سراسر جهان شناخته شد.

وستربورک.

Vandaag lijkt het een rustige plek.

امروز این مکان آرام به نظر می‌رسد.

Maar achter die rust schuilt een zwaar verleden.

اما پشت این آرامش، گذشته‌ای سنگین نهفته است.

Voor de oorlog

Aan het eind van de jaren dertig kwamen vluchtelingen uit Duitsland naar

Nederland.

پیش از جنگ

در اواخر دهه ۱۹۳۰، پناهندگانی از آلمان به هلند آمدند.

Velen waren Joods.

بسیاری از آن‌ها یهودی بودند.

Zij probeerden te ontsnappen aan vervolging.

آن‌ها تلاش می‌کردند از آزار و تعقیب فرار کنند.

Voor hen werd Kamp Westerbork gebouwd.

برای آن‌ها اردوگاه وستربورک ساخته شد.

De bezetting

Toen de Tweede Wereldoorlog begon en Nederland werd bezet, veranderde alles.

اشغال

وقتی جنگ جهانی دوم آغاز شد و هلند اشغال شد، همه چیز تغییر کرد.

Het kamp kreeg een andere functie.

اردوگاه نقش دیگری پیدا کرد.

Duizenden mensen werden hier samengebracht.

هزاران نفر در اینجا گردآوری شدند.

Transporten

Vanuit Westerbork vertrokken treinen.

قطارها

از وستربورک قطارهایی حرکت می کردند.

Treinen vol mensen.

قطارهایی پر از انسان.

Mannen.

Vrouwen.

Kinderen.

مردان.

زنان.

و کودکان.

Zij werden gedeporteerd naar concentratie- en vernietigingskampen.

آنها به اردوگاه‌های کار اجباری و مرگ منتقل می‌شدند.

Wachten

Voor veel mensen was Westerbork een plaats van onzekerheid.

انتظار

برای بسیاری از مردم، وستربورک مکانی سرشار از بلاتکلیفی بود.

Niemand wist precies wat er zou gebeuren.

هیچکس دقیقاً نمی‌دانست چه اتفاقی در انتظارش است.

Iedere trein bracht angst met zich mee.

هر قطار با خود ترس می‌آورد.

Anne Frank

Ook Anne Frank kwam via Westerbork.

آنه فرانک

آنه فرانک نیز از وستربورک عبور کرد.

Voordat zij naar Auschwitz werd gedeporteerd.

پیش از آنکه به آشویتس فرستاده شود.

Daardoor werd de naam Westerbork ook verbonden met haar verhaal.

و به همین دلیل نام وستربورک با داستان او نیز پیوند خورد.

Herdenken

Vandaag bestaat het kamp niet meer zoals vroeger.

یادبود

امروزه اردوگاه دیگر به شکل گذشته وجود ندارد.

Maar de herinnering leeft voort.

اما یاد آن همچنان زنده است.

Monumenten herinneren bezoekers aan wat hier gebeurde.

بناهای یادبود، بازدیدکنندگان را به یاد آنچه در اینجا رخ داد می‌اندازند.

De stenen

Op het terrein staan duizenden stenen.

سنگ‌ها

در این محوطه هزاران سنگ قرار دارد.

Zij symboliseren de mensen die nooit terugkeerden.

آن‌ها نماد انسان‌هایی هستند که هرگز بازنگشتند.

Waarom herinneren belangrijk is

Misschien is dat de belangrijkste les van Westerbork.

چرا یادآوری مهم است

شاید این مهم‌ترین درس وستربورک باشد.

Dat vrijheid niet vanzelfsprekend is.

اینکه آزادی بدیهی نیست.

Dat democratie kwetsbaar kan zijn.

اینکه دموکراسی می‌تواند آسیب‌پذیر باشد.

En dat mensen verantwoordelijk zijn om geschiedenis niet te vergeten.

و اینکه انسان‌ها مسئول‌اند تاریخ را فراموش نکنند.

Hoofdstuk ۱۰ – Coevorden, de oude vestingstad

فصل دهم – کوفوردن، شهر تاریخی دژها

Wanneer mensen over de oudste steden van Drenthe spreken, komt Coevorden vaak als eerste naar voren.

فصل دهم – کوفوردن، شهر تاریخی دژها

وقتی مردم درباره قدیمی‌ترین شهرهای درننه صحبت می‌کنند، نام کوفوردن اغلب در ابتدای فهرست قرار دارد.

Een strategische plek

Al eeuwen geleden was deze plek belangrijk.

موقعیتی راهبردی

قرن‌ها پیش نیز این مکان اهمیت داشت.

Wie tussen Noord-Nederland en Duitsland reisde, kwam vaak langs Coevorden.

کسانی که میان شمال هلند و آلمان سفر می‌کردند، اغلب از کوفوردن عبور می‌کردند.

Handel

Handelaren trokken door de stad.

تجارت

بازرگانان از این شهر عبور می‌کردند.

Goederen werden vervoerd.

کالاها جابه‌جا می‌شدند.

Markten ontstonden.

بازارها شکل می‌گرفتند.

Vestingstad

Omdat de stad belangrijk was, moest zij beschermd worden.

شهر دژدار

از آنجا که شهر اهمیت داشت، باید از آن محافظت می‌شد.

Daarom werd Coevorden een vestingstad.

به همین دلیل کوفوردن به یک شهر دژدار تبدیل شد.

Met wallen.

Met verdedigingswerken.

Met grachten.

با خاکریزها.

با استحکامات دفاعی.

و با خندق‌ها.

Het kasteel

Midden in de stad staat nog steeds het kasteel van Coevorden.

قلعه

در مرکز شهر هنوز قلعه کوفوردن قرار دارد.

Het herinnert aan een tijd waarin macht en veiligheid nauw met elkaar

verbonden waren.

این قلعه یادآور دورانی است که قدرت و امنیت ارتباطی مستقیم با یکدیگر داشتند.

Een rustige stad

Vandaag is Coevorden veel rustiger dan in de tijd van soldaten en veldslagen.

شهری آرام

امروزه کوفوردن بسیار آرام‌تر از دوران سربازان و نبردهاست.

Maar wie goed kijkt, ziet de geschiedenis nog overal terug.

اما کسی که با دقت نگاه کند، هنوز تاریخ را در همه جای شهر می‌بیند.

Het verleden leeft

Straatnamen.

Gebouwen.

Verhalen van inwoners.

گذشته زنده است

نام خیابان‌ها.

ساختمان‌ها.

و داستان‌های مردم.

Alles herinnert aan een lange geschiedenis.

همه چیز یادآور تاریخی طولانی است.

Hoofdstuk ۱۱ – Hoogeveen en het veen

فصل یازدهم – هوخفین و سرزمین تورب

Hoofdstuk ۱۱ – Hoogeveen en het veen

فصل یازدهم – هوخفین و سرزمین تورب

Wanneer je vandaag door Hoogeveen loopt, zie je een moderne stad.

Winkels.

Woonwijken.

Scholen.

فصل یازدهم – هوخفین و سرزمین تورب

وقتی امروز در هوخفین قدم می‌زنی، شهری مدرن می‌بینی.

فروشگاه‌ها.

محله‌های مسکونی.

و مدارس.

Maar onder dat moderne gezicht ligt een ander verhaal.

اما زیر این چهره مدرن، داستان دیگری نهفته است.

Een verhaal van veen.

داستانی درباره تورب.

Het veenlandschap

Eeuwen geleden zag dit deel van Drenthe er heel anders uit.

سرزمین تورب

قرن‌ها پیش این بخش از درنثه کاملاً متفاوت به نظر می‌رسید.

Uitgestrekte veengebieden bedekten grote delen van het landschap.

مناطق وسیع تورب بخش بزرگی از چشم‌انداز را پوشانده بودند.

Moerassig.

Nat.

Moeilijk toegankelijk.

باتلاقی.

مرطوب.

و دشوار برای عبور.

Een waardevolle grondstof

Toch zat er rijkdom verborgen in dat veen.

منبعی ارزشمند

اما در دل این تورب ثروتی پنهان بود.

Gedroogd veen werd gebruikt als brandstof.

تورب خشک‌شده به عنوان سوخت استفاده می‌شد.

Voor huizen.

Voor bedrijven.

Voor steden.

برای خانه‌ها.

برای کسب‌وکارها.

و برای شهرها.

Hard werken

Het winnen van veen was zwaar werk.

کار سخت

استخراج تورب کار دشواری بود.

Mensen stonden urenlang in natte omstandigheden.

مردم ساعت‌های طولانی در محیط‌های مرطوب کار می‌کردند.

Met eenvoudige gereedschappen.

با ابزارهای ساده.

Maar langzaam veranderde het landschap.

اما به تدریج چشم‌انداز تغییر کرد.

Kanalen

Om het veen te vervoeren werden kanalen gegraven.

کانال‌ها

برای حمل تورب، کانال‌هایی حفر شد.

Die kanalen veranderden de regio voorgoed.

این کانال‌ها منطقه را برای همیشه تغییر دادند.

Zij maakten handel mogelijk.

آن‌ها تجارت را ممکن کردند.

En trokken nieuwe bewoners aan.

و ساکنان جدیدی را جذب کردند.

Het ontstaan van Hoogeveen

Hoogeveen groeide dankzij die ontwikkeling.

شکل‌گیری هوخفین

هوخفین به لطف همین تحولات رشد کرد.

Van een nederzetting.

Naar een belangrijke plaats in Zuid-Drenthe.

از یک سکونتگاه کوچک.

به یکی از مراکز مهم جنوب درنثه.

Ondernemerschap

Door de eeuwen heen ontstond hier een sterke ondernemerscultuur.

کارآفرینی

در طول قرن‌ها فرهنگ قوی کارآفرینی در این منطقه شکل گرفت.

Mensen leerden kansen te zien.

مردم آموختند فرصت‌ها را ببینند.

En nieuwe mogelijkheden te benutten.

و از امکانات جدید استفاده کنند.

Vandaag

Vandaag is Hoogeveen een moderne stad met bedrijven, scholen en voorzieningen.

امروز

امروزه هوخفین شهری مدرن با شرکت‌ها، مدارس و امکانات مختلف است.

Maar wie goed kijkt, ziet nog steeds sporen van het verleden.

اما کسی که با دقت نگاه کند، هنوز نشانه‌های گذشته را می‌بیند.

In het landschap.

In de kanalen.

En in de verhalen van de inwoners.

در چشم‌انداز.

در کانال‌ها.

و در داستان‌های ساکنان.

Hoofdstuk ۱۲ – Meppel, de stad van handel en water

فصل دوازدهم – مِپِل، شهر تجارت و آب

Niet iedere stad in Drenthe groeide door landbouw.

فصل دوازدهم – مِپِل، شهر تجارت و آب

همه شهرهای درنثه به واسطه کشاورزی رشد نکردند.

Sommige steden groeiden dankzij handel.

برخی شهرها به واسطه تجارت رشد کردند.

Meppel is daar een goed voorbeeld van.

مِپِل نمونه خوبی از این موضوع است.

Waterwegen

Water speelde eeuwenlang een belangrijke rol in Meppel.

راه‌های آبی

آب برای قرن‌ها نقش مهمی در مِپِل داشت.

Via kanalen en vaarwegen konden goederen worden vervoerd.

از طریق کانال‌ها و مسیرهای آبی، کالاها جابه‌جا می‌شدند.

Dat bracht welvaart.

و این موضوع رفاه به همراه آورد.

Een handelsstad

Kooplieden kwamen naar Meppel.

شهر بازرگانی

بازرگانان به مپل می‌آمدند.

Markten groeiden.

بازارها رشد کردند.

Bedrijven ontstonden.

شرکت‌ها شکل گرفتند.

Bruggen

Nog altijd zie je in Meppel veel bruggen.

پل‌ها

امروزه نیز در مپل پل‌های زیادی دیده می‌شود.

Zij herinneren aan de relatie tussen de stad en het water.

آنها یادآور ارتباط عمیق شهر با آب هستند.

Het centrum

Het historische centrum heeft een eigen sfeer.

مرکز شهر

مرکز تاریخی شهر فضای خاص خود را دارد.

Oude gevels.

Gezellige straten.

Terrassen.

نماهای قدیمی.

خیابان‌های دلنشین.

و کافه‌ها.

Verbinding

Misschien is verbinding het woord dat Meppel het beste beschrijft.

پیوند

شاید بهترین واژه برای توصیف مپل «پیوند» باشد.

Verbinding tussen mensen.

پیوند میان انسان‌ها.

Tussen regio's.

میان مناطق مختلف.

En tussen verleden en toekomst.

و میان گذشته و آینده.

Hoofdstuk ۱۳ – De natuurparken van Drenthe

فصل سیزدهم – پارک‌های طبیعی درنته

Wanneer je naar Drenthe komt, ontdek je al snel dat natuur overal aanwezig is.

فصل سیزدهم – پارک‌های طبیعی درنته

وقتی به درنته می‌آیی، خیلی زود متوجه می‌شوی که طبیعت همه جا حضور دارد.

Niet als decor.

نه فقط به عنوان یک پس‌زمینه.

Maar als een deel van het dagelijks leven.

بلکه به عنوان بخشی از زندگی روزمره.

Nationaal Park Dwingelderveld

Een van de bekendste natuurgebieden is het Dwingelderveld.

پارک ملی دوینگلدرولد
یکی از مشهورترین مناطق طبیعی، دوینگلدرولد است.

Het grootste natte heidegebied van West-Europa.

بزرگترین منطقه هدر مرطوب در اروپای غربی.

Ruimte

Hier lijkt de horizon eindeloos.

فضا
در اینجا افق بی‌پایان به نظر می‌رسد.

Wolken bewegen langzaam over het landschap.

ابرها به آرامی بر فراز چشم‌انداز حرکت می‌کنند.

Schapen

Op de heide zie je vaak schaapskuddes.

گله‌های گوسفند
در دشت‌های هدر اغلب گله‌های گوسفند دیده می‌شوند.

Al eeuwenlang maken zij deel uit van het landschap.

آن‌ها قرن‌هاست بخشی از این چشم‌انداز هستند.

Drents-Friese Wold

Een ander bekend natuurgebied is het Drents-Friese Wold.

درنتس-فريسه وُلد

منطقه طبیعی مشهور دیگر، درنتس-فريسه وُلد است.

Een uitgestrekt gebied van bossen, zandverstuivingen en heide.

منطقه‌ای وسیع از جنگل‌ها، شنزارها و دشت‌های هدر.

Wandelaars en fietsers

Jaarlijks bezoeken honderdduizenden mensen deze natuurgebieden.

پیاده‌روها و دوچرخه‌سواران

هر سال صدها هزار نفر از این مناطق طبیعی بازدید می‌کنند.

Niet voor spektakel.

نه برای هیجان و نمایش.

Maar voor rust.

بلکه برای آرامش.

Voor ruimte.

برای فضای باز.

Voor natuur.

و برای طبیعت.

Wat natuur betekent voor Drenthe

Misschien is natuur nergens zo verweven met de identiteit van een provincie als hier.

طبیعت برای درنته چه معنایی دارد؟

شاید در هیچ استانی به اندازه درنته، طبیعت با هویت منطقه درهم تنیده نشده باشد.

De natuur is niet iets naast Drenthe.

طبیعت چیزی جدا از درننه نیست.

De natuur ís een deel van Drenthe.

طبیعت خود بخشی از درننه است.

Hoofdstuk ۱۴ – Emigranten, nieuwkomers en nieuwe verhalen

فصل چهاردهم – مهاجران، تازه‌واردان و داستان‌های جدید

Hoofdstuk ۱۴ – Emigranten, nieuwkomers en nieuwe verhalen

فصل چهاردهم – مهاجران، تازه‌واردان و داستان‌های جدید

Wanneer mensen aan Drenthe denken, denken zij vaak aan families die hier al generaties wonen.

فصل چهاردهم – مهاجران، تازه‌واردان و داستان‌های جدید

وقتی مردم به درننه فکر می‌کنند، اغلب به خانواده‌هایی فکر می‌کنند که نسل‌هاست در اینجا زندگی می‌کنند.

Dat beeld klopt gedeeltelijk.

این تصویر تا حدی درست است.

Maar het vertelt niet het hele verhaal.

اما تمام داستان را روایت نمی‌کند.

Nieuwe bewoners

Ieder jaar verhuizen mensen naar Drenthe.

ساکنان جدید

هر سال افرادی به درننه نقل مکان می‌کنند.

Sommigen komen uit Amsterdam.

Uit Rotterdam.

Uit Utrecht.

بعضی از آمستردام می آیند.

از روتردام.

یا از اوترخت.

Anderen komen uit het buitenland.

و برخی از کشورهای دیگر.

Waarom mensen komen

De redenen verschillen.

چرا مردم می آیند؟

دلایل متفاوت است.

Sommigen zoeken rust.

بعضی به دنبال آرامش هستند.

Anderen zoeken ruimte.

برخی به دنبال فضای بیشتر.

Weer anderen zoeken betaalbare woningen.

و بعضی به دنبال خانه های مقرون به صرفه تر.

Een andere levensstijl

Mensen die uit drukke steden komen, moeten soms wennen.

سبک زندگی متفاوت

کسانی که از شهرهای شلوغ می آیند، گاهی باید خود را با شرایط جدید تطبیق دهند.

De stilte.

De open ruimte.

De langere afstanden.

سکوت.

فضای باز.

و فاصله‌های بیشتر.

Maar veel nieuwkomers waarderen dat juist.

اما بسیاری از تازه‌واردان دقیقاً همین ویژگی‌ها را دوست دارند.

Nieuwe energie

Nieuwe inwoners brengen ook nieuwe ideeën mee.

انرژی تازه

ساکنان جدید، ایده‌های تازه نیز با خود می‌آورند.

Nieuwe bedrijven.

Nieuwe initiatieven.

Nieuwe projecten.

شرکت‌های جدید.

ابتکارهای جدید.

و پروژه‌های تازه.

Een provincie die groeit

Hoewel Drenthe bekendstaat om traditie, blijft zij veranderen.

استانی که رشد می‌کند

اگرچه درنته به سنت‌هایش معروف است، اما همچنان در حال تغییر است.

Iedere nieuwe inwoner voegt een hoofdstuk toe.

هر ساکن جدید، فصلی تازه به داستان استان اضافه می‌کند.

Oude wortels, nieuwe takken
Misschien lijkt Drenthe op een oude boom.

ریشه‌های قدیمی، شاخه‌های تازه
شاید درخته شبیه یک درخت کهن باشد.

Met diepe wortels.

با ریشه‌های عمیق.

Maar ook met nieuwe takken die blijven groeien.

اما با شاخه‌های جدیدی که همچنان رشد می‌کنند.

Hoofdstuk ۱۵ – Onderwijs in Drenthe

فصل پانزدهم – آموزش در درخته

Een provincie bouwt niet alleen wegen.

Niet alleen huizen.

Niet alleen bedrijven.

فصل پانزدهم – آموزش در درخته

یک استان فقط جاده نمی‌سازد.

فقط خانه نمی‌سازد.

و فقط شرکت ایجاد نمی‌کند.

Zij bouwt ook aan kennis.

بلکه دانش نیز می‌سازد.

De basisschool

Iedere ochtend gaan duizenden kinderen naar school.

دبستان

هر صبح هزاران کودک راهی مدرسه می‌شوند.

Met rugzakken.

Met boeken.

Met dromen.

با کوله‌پشتی.

با کتاب‌ها.

و با رؤیاهایشان.

Middelbare scholen

In steden als Assen, Emmen, Hoogeveen en Meppel volgen jongeren hun opleiding.

دبیرستان‌ها

در شهرهایی مانند آسن، امن، هوخفین و مپل، نوجوانان تحصیلات خود را ادامه می‌دهند.

Daar bereiden zij zich voor op hun toekomst.

آن‌ها در اینجا خود را برای آینده آماده می‌کنند.

MBO

Voor veel jongeren speelt het mbo een belangrijke rol.

آموزش حرفه‌ای

برای بسیاری از جوانان، آموزش حرفه‌ای نقش مهمی دارد.

Zij leren praktische beroepen.

آن‌ها مشاغل عملی را می‌آموزند.

Techniek.

Zorg.

Bouw.

Logistiek.

فنی.

درمان.

ساختمان.

و لجستیک.

Studenten vertrekken soms

Veel studenten verlaten Drenthe tijdelijk voor hun studie.

برخی دانشجویان می‌روند

بسیاری از دانشجویان برای ادامه تحصیل موقتاً درنثه را ترک می‌کنند.

Naar Groningen.

Naar Zwolle.

Naar Utrecht.

به خرونینگن.

زووله.

یا اوترخت.

Terugkomen

Toch keren veel mensen later terug.

بازگشت

اما بسیاری بعدها باز می‌گردند.

Omdat zij de rust missen.

چون آرامش را از دست داده‌اند.

Of omdat zij een gezin willen stichten.

یا چون می‌خواهند خانواده تشکیل دهند.

Kennis als investering

Misschien is onderwijs de belangrijkste investering van allemaal.

دانش؛ مهمترین سرمایه‌گذاری
شاید آموزش مهمترین سرمایه‌گذاری باشد.

Want gebouwen verouderen.

زیرا ساختمان‌ها قدیمی می‌شوند.

Maar kennis groeit.

اما دانش رشد می‌کند.

Hoofdstuk ۱۶ – De economie van Drenthe

فصل شانزدهم – اقتصاد درنثه

Wanneer mensen aan economie denken, denken zij vaak aan grote havens.

فصل شانزدهم – اقتصاد درنثه

وقتی مردم به اقتصاد فکر می‌کنند، اغلب به بندرهای بزرگ فکر می‌کنند.

Aan wolkenkrabbers.

Aan internationale financiële centra.

به آسمان‌خراش‌ها.

و مراکز مالی بین‌المللی.

Drenthe werkt anders.

اما درنثه متفاوت عمل می‌کند.

Een brede economie

De economie van Drenthe rust op verschillende pijlers.

اقتصادی متنوع

اقتصاد درنثه بر پایه چند ستون استوار است.

Landbouw.

Industrie.

Toerisme.

Dienstverlening.

کشاورزی.

صنعت.

گردشگری.

و خدمات.

Familiebedrijven

Veel bedrijven in Drenthe zijn familiebedrijven.

شرکت های خانوادگی

بسیاری از شرکت های درننه خانوادگی هستند.

Sommige bestaan al generaties lang.

برخی از آن ها نسل هاست که فعالیت می کنند.

Innovatie

Toch betekent traditie niet dat innovatie ontbreekt.

نوآوری

اما سنت به معنای نبود نوآوری نیست.

Nieuwe technologieën worden toegepast.

فناوری های جدید به کار گرفته می شوند.

Bedrijven investeren in duurzaamheid.

شرکت ها روی پایداری سرمایه گذاری می کنند.

Toerisme

Ook toerisme levert werkgelegenheid op.

گردشگری

گردشگری نیز اشتغال ایجاد می‌کند.

Hotels.

Restaurants.

Campings.

Musea.

هتل‌ها.

رستوران‌ها.

کمپ‌ها.

و موزه‌ها.

Lokale kracht

Misschien ligt de kracht van de Drentse economie niet in grootte.

قدرت محلی

شاید قدرت اقتصاد درننه در بزرگی آن نباشد.

Maar in stabiliteit.

بلکه در ثبات آن باشد.

In betrokken ondernemers.

در کارآفرینان متعهد.

En in mensen die bereid zijn hard te werken.

و در مردمی که آماده کار سخت هستند.

Hoofdstuk ۱۷– De Drentse mentaliteit

فصل هفدهم – روحیه مردم درننه

Hoofdstuk ۱۷– De Drentse mentaliteit

فصل هفدهم – روحیه مردم درننه

Wanneer mensen een provincie willen begrijpen, kijken zij vaak naar gebouwen.

Naar landschappen.

Naar geschiedenis.

فصل هفدهم – روحیه مردم درننه

وقتی مردم می‌خواهند یک استان را بشناسند، اغلب به ساختمان‌ها نگاه می‌کنند.
به چشم‌اندازها.
و به تاریخ.

Maar uiteindelijk wordt een provincie gevormd door haar inwoners.

اما در نهایت، یک استان را مردم آن می‌سازند.

Nuchterheid

Als er één woord vaak wordt gebruikt om Drenten te beschrijven, dan is het “nuchter”.

واقع‌گرایی

اگر یک واژه برای توصیف مردم درننه زیاد استفاده شود، آن واژه «واقع‌گرا» است.

Niet overdreven.

Niet luidruchtig.

نه اغراق‌آمیز.

نه پر سر و صدا.

Gewoon normaal.

فقط ساده و معمولی.

Eerst doen, dan praten

Veel Drenten houden niet van grote woorden.

اول عمل، بعد حرف

بسیاری از مردم درننه علاقه‌ای به حرف‌های بزرگ ندارند.

Zij geloven vaak dat daden belangrijker zijn dan woorden.

آن‌ها اغلب باور دارند که عمل مهم‌تر از حرف است.

Betrouwbaarheid

Wanneer iemand iets belooft, wordt verwacht dat die belofte wordt nagekomen.

قابل اعتماد بودن

وقتی کسی قولی می‌دهد، انتظار می‌رود به آن عمل کند.

Dat geldt in werk.

این موضوع در کار صدق می‌کند.

Maar ook in vriendschappen.

و در دوستی‌ها نیز.

Rustige mensen

Dat betekent niet dat Drenten afstandelijk zijn.

مردمی آرام

این به آن معنا نیست که مردم درننه سرد یا دور از دیگران هستند.

Integendeel.

برعکس.

Maar vaak duurt het even voordat mensen elkaar echt leren kennen.

اما معمولاً کمی زمان لازم است تا افراد واقعاً یکدیگر را بشناسند.

Verbonden met de omgeving

Veel inwoners voelen zich sterk verbonden met hun omgeving.

پیوند با محیط

بسیاری از ساکنان ارتباط عمیقی با محیط اطراف خود دارند.

Met hun dorp.

Met hun stad.

Met het landschap.

با روستای خود.

با شهر خود.

و با طبیعت اطراف.

Trots zonder opscheppen

Drenten zijn vaak trots op hun provincie.

افتخار بدون خودستایی

مردم درننه معمولاً به استان خود افتخار می‌کنند.

Maar zij zullen dat niet altijd luid vertellen.

اما همیشه آن را با صدای بلند اعلام نمی‌کنند.

Misschien is dat juist typisch Drents.

شاید همین دقیقاً ویژگی درننه باشد.

Hoofdstuk ۱۸ – De Drentse taal en dialecten

فصل هجدهم – زبان و گویش‌های درننه

Wie goed luistert in Drenthe, hoort meer dan alleen Nederlands.

فصل هجدهم – زبان و گویش‌های درننه

کسی که با دقت در درننه گوش کند، چیزی بیشتر از زبان هلندی خواهد شنید.

Het Drents

In veel dorpen en steden wordt ook Drents gesproken.

زبان درنتی

در بسیاری از روستاها و شهرها، زبان درنتی نیز صحبت می‌شود.

Het Drents behoort tot de Nedersaksische dialecten.

زبان درنتی بخشی از خانواده گویش‌های ندرزاکسی است.

Een taal van thuis

Voor veel mensen is het Drents de taal van thuis.

زبان خانه

برای بسیاری از مردم، درنتی زبان خانه است.

De taal van ouders.

Van grootouders.

Van verhalen.

زبان پدر و مادر.

پدربزرگ و مادربزرگ.

و داستان‌های خانوادگی.

Verschillen per regio

Niet overal klinkt het Drents hetzelfde.

تفاوت‌های منطقه‌ای

درنتی در همه جا یکسان شنیده نمی‌شود.

Tussen verschillende delen van de provincie bestaan verschillen.

میان بخش‌های مختلف استان تفاوت‌هایی وجود دارد.

Muziek

Veel artiesten gebruiken het Drents in hun liedjes.

موسیقی

بسیاری از هنرمندان در ترانه‌های خود از درنتی استفاده می‌کنند.

Daardoor blijft de taal levend.

و همین باعث زنده ماندن زبان می‌شود.

Identiteit

Taal gaat niet alleen over woorden.

هویت

زبان فقط درباره واژه‌ها نیست.

Het gaat ook over identiteit.

بلکه درباره هویت نیز هست.

Over verbondenheid.

درباره تعلق.

Over geschiedenis.

و درباره تاریخ.

De toekomst van het Drents

Veel organisaties proberen het Drents te behouden.

آینده زبان درنتی

سازمان‌های زیادی تلاش می‌کنند زبان درنتی را حفظ کنند.

Via onderwijs.

Via cultuur.

Via lokale projecten.

از طریق آموزش.

فرهنگ.

و پروژه‌های محلی.

Hoofdstuk ۱۹ – Het Drentse landschap door de seizoenen

فصل نوزدهم – چشم‌انداز درننه در چهار فصل

Een landschap blijft nooit hetzelfde.

فصل نوزدهم – چشم‌انداز درننه در چهار فصل

هیچ چشم‌اندازی همیشه یکسان باقی نمی‌ماند.

Ieder seizoen vertelt een ander verhaal.

هر فصل داستان متفاوتی روایت می‌کند.

De lente

In het voorjaar ontwaakt Drenthe langzaam.

بهار

در بهار، درننه به آرامی بیدار می‌شود.

Bloemen verschijnen.

گل‌ها ظاهر می‌شوند.

Bomen krijgen nieuw blad.

درختان برگ‌های تازه می‌گیرند.

Vogels bouwen nesten.

پرندگان لانه می‌سازند.

De zomer

In de zomer leeft de provincie buiten.

تابستان

در تابستان زندگی در فضای باز جریان پیدا می‌کند.

Fietsers vullen de paden.

دوچرخه‌سواران مسیرها را پر می‌کنند.

Campings zitten vol.

کمپ‌ها پر از مسافر می‌شوند.

Terrassen lopen vol met bezoekers.

کافه‌ها و تراس‌ها پر از بازدیدکننده می‌شوند.

De herfst

Voor veel inwoners is de herfst misschien het mooiste seizoen.

پاییز

برای بسیاری از ساکنان، پاییز شاید زیباترین فصل باشد.

Bossen kleuren goudgeel.

جنگل‌ها به رنگ طلایی درمی‌آیند.

Mist hangt boven de velden.

مه روی مزارع شناور می‌شود.

Het landschap krijgt iets sprookjesachtigs.

چشم‌انداز حالتی افسانه‌ای پیدا می‌کند.

De winter

Dan komt de stilte.

زمستان

و سپس سکوت زمستان فرا می‌رسد.

De dagen worden korter.

روزها کوتاهتر میشوند.

De natuur trekt zich terug.

طبیعت به استراحت فرو می‌رود.

Soms valt er sneeuw.

گاهی برف می‌بارد.

En lijkt Drenthe nog rustiger dan normaal.

و درنته از همیشه آرام‌تر به نظر می‌رسد.

Hoofdstuk ۲۰ – De toekomst van Drenthe

فصل بیستم – آینده درنته

Veel mensen zien Drenthe als een provincie van geschiedenis.

فصل بیستم – آینده درنته

بسیاری از مردم درنته را استانی تاریخی می‌دانند.

Van hunebedden.

Van oude dorpen.

Van tradities.

استانی با هونبدها.

روستاهای قدیمی.

و سنت‌های دیرینه.

Maar de toekomst speelt hier net zo goed een rol.

اما آینده نیز به همان اندازه در اینجا اهمیت دارد.

Nieuwe energie

Steeds meer aandacht gaat naar duurzame energie.

انرژی‌های جدید

توجه بیشتری به انرژی پایدار معطوف شده است.

Zonneparken.

Windenergie.

Nieuwe technologieën.

نیروگاه‌های خورشیدی.

انرژی بادی.

و فناوری‌های نو.

Wonen

Veel mensen zoeken tegenwoordig meer ruimte.

مسکن

امروزه بسیاری از مردم به دنبال فضای بیشتر هستند.

Dat maakt Drenthe aantrekkelijk.

و همین درنته را جذاب می‌کند.

Voor gezinnen.

Voor thuiswerkers.

Voor ondernemers.

برای خانواده‌ها.

برای کسانی که از خانه کار می‌کنند.

و برای کارآفرینان.

Innovatie en traditie

Misschien ligt de toekomst van Drenthe niet in het kiezen tussen oud en nieuw.

نوآوری و سنت

شاید آینده درنته در انتخاب میان سنت و نوآوری نباشد.

Maar in het combineren van beide.

بلکه در ترکیب این دو باشد.

De kracht van traditie.

قدرت سنت.

Met de mogelijkheden van de toekomst.

همراه با فرصت‌های آینده.

Een verhaal dat doorgaat

Zoals de hunebedden duizenden jaren hebben overleefd, zal ook Drenthe blijven veranderen.

داستانی که ادامه دارد

همان‌طور که هونبدها هزاران سال دوام آورده‌اند، درنته نیز به تغییر خود ادامه خواهد داد.

Nieuwe generaties zullen nieuwe hoofdstukken schrijven.

نسل‌های جدید فصل‌های تازه‌ای خواهند نوشت.

En zo gaat het verhaal van Drenthe verder.

و به این ترتیب داستان درنته ادامه پیدا می‌کند.

Hoofdstuk ۲۱ – Ik ben Drenthe

فصل بیست و یکم – من درنته هستم

Hoofdstuk ۲۱ – Ik ben Drenthe

فصل بیست و یکم – من درنته هستم

Ik ben Drenthe.

Misschien spreek ik niet zo luid als sommige andere provincies.

فصل بیست و یکم – من درننه هستم

من درننه هستم.

شاید به اندازه بعضی استان‌های دیگر بلند و پر سر و صدا نباشم.

Ik heb geen gigantische haven.

Geen miljoenenstad.

Geen wolkenkrabbers die de horizon vullen.

من بندر عظیم ندارم.

شهر چند میلیونی ندارم.

و آسمان‌خراش‌هایی که افق را پر کنند ندارم.

Maar ik heb iets anders.

اما چیز دیگری دارم.

Ruimte.

Rust.

Geschiedenis.

فضا.

آرامش.

و تاریخ.

Ik herinner me duizenden jaren

Ik herinner me de eerste mensen die hier leefden.

هزاران سال را به یاد دارم

من نخستین انسان‌هایی را که در این سرزمین زندگی کردند به یاد دارم.

Ik zag hoe zij stenen verplaatsten.

دیدم که چگونه سنگ‌های عظیم را جابه‌جا کردند.

Hoe zij hunebedden bouwden.

چگونه هونبدها را ساختند.

Hoe zij een spoor achterlieten dat duizenden jaren later nog zichtbaar zou zijn.

چگونه نشانه‌ای از خود به جا گذاشتند که هزاران سال بعد نیز دیده می‌شود.

Ik zag dorpen ontstaan

Eeuwen gingen voorbij.

شکل‌گیری روستاها را دیدم

قرن‌ها گذشت.

Mensen bouwden boerderijen.

مردم مزرعه‌ها ساختند.

Dorpen groeiden.

روستاها رشد کردند.

Kerktorens verschenen aan de horizon.

برج‌های کلیسا در افق ظاهر شدند.

Kinderen werden geboren.

کودکان متولد شدند.

Families bouwden hun leven op.

خانواده‌ها زندگی خود را ساختند.

Ik hoorde de stemmen

Ik hoorde het Drents.

صداها را شنیدم
من زبان درنتی را شنیدم.

Ik hoorde verhalen rond keukentafels.

داستان‌هایی را شنیدم که دور میزهای آشپزخانه گفته می‌شدند.

Ik hoorde grootouders vertellen over vroeger.

شنیدم که پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها از گذشته می‌گفتند.

En kinderen dromen over later.

و کودکان درباره آینده رؤیا می‌بافتند.

Ik zag moeilijke tijden

Niet ieder hoofdstuk was gemakkelijk.

روزهای دشوار را نیز دیدم
همه فصل‌های داستان آسان نبودند.

Ik zag oorlog.

جنگ را دیدم.

Ik zag Westerbork.

وستربورک را دیدم.

Ik zag verdriet.

اندوه را دیدم.

Maar ik zag ook moed.

اما شجاعت را نیز دیدم.

En hoop.

و امید را.

Ik zag mensen doorgaan

Dat gebeurde steeds opnieuw.

ادامه دادن مردم را دیدم
این اتفاق بارها تکرار شد.

Na iedere moeilijke periode stonden mensen weer op.

پس از هر دوره دشوار، مردم دوباره برخاستند.

Zij begonnen opnieuw.

از نو شروع کردند.

Werkten opnieuw.

دوباره کار کردند.

Bouwden opnieuw.

و دوباره ساختند.

Mijn steden

Ik ben trots op Assen.

شهرهای من
من به آسن افتخار می‌کنم.

Op Emmen.

به اِمن.

Op Hoogeveen.

به هوفین.

Op Meppel.

به میل.

Op Coevorden.

و به کوفوردن.

Maar ik ben net zo trots op mijn kleine dorpen.

اما به همان اندازه به روستاهای کوچک خود نیز افتخار می‌کنم.

Mijn natuur

Ik ben de heide die paars kleurt in augustus.

طبیعت من

من همان دشتی هستم که در ماه اوت بنفش می‌شود.

Ik ben de bossen van het Drents-Friese Wold.

من جنگل‌های درنتس-فریسه وُلد هستم.

Ik ben het Dwingelderveld.

من دوینگلدرولد هستم.

Ik ben de stilte die bezoekers verrast.

من همان سکوتی هستم که بازدیدکنندگان را شگفت‌زده می‌کند.

Mijn inwoners

Mijn grootste rijkdom zijn niet mijn gebouwen.

مردم من

بزرگ‌ترین ثروت من ساختمان‌هایم نیستند.

Niet mijn wegen.

نه جاده‌هایم.

Niet mijn economie.

و نه حتی اقتصادم.

Mijn grootste rijkdom zijn mijn mensen.

بزرگترین ثروت من مردم هستند.

De boer die vroeg opstaat.

کشاورزی که پیش از طلوع خورشید بیدار می‌شود.

De verpleegkundige die nachtdienst draait.

پرستاری که شیفت شب کار می‌کند.

De leraar die kinderen inspireert.

معلمی که کودکان را الهام می‌بخشد.

De ondernemer die risico's neemt.

کارآفرینی که ریسک می‌کند.

De vrijwilliger die een vereniging draaiende houdt.

داوطلبی که یک انجمن را زنده نگه می‌دارد.

Mijn toekomst

Sommige mensen denken dat toekomst alleen ontstaat in grote steden.

آینده من

بعضی تصور می‌کنند آینده فقط در شهرهای بزرگ ساخته می‌شود.

Maar toekomst ontstaat overal.

اما آینده همه جا ساخته می‌شود.

Ook hier.

اینجا نیز.

In scholen.

در مدارس.

In bedrijven.

در شرکت‌ها.

In laboratoria.

در آزمایشگاه‌ها.

En aan keukentafels waar nieuwe plannen worden gemaakt.

و دور میزهای آشپزخانه‌ای که در آن‌ها برنامه‌های جدید شکل می‌گیرند.

Daarom blijf ik bestaan

Ik ben ouder dan Nederland.

به همین دلیل به حیات خود ادامه می‌دهم

من از خود هلند قدیمی‌ترم.

Maar ik leef niet in het verleden.

اما در گذشته زندگی نمی‌کنم.

Iedere dag verandert er iets.

هر روز چیزی تغییر می‌کند.

Iedere dag begint een nieuw verhaal.

هر روز داستان تازه‌ای آغاز می‌شود.

Ik ben Drenthe.

Van de hunebedden.

Van de heide.

Van de dorpen.

Van de stilte.

Van gisteren.

Van vandaag.

En van morgen.

من درننه هستم.

سرزمین هونبدها.

سرزمین دشت‌های هدر.

سرزمین روستاها.

سرزمین سکوت.

سرزمین دیروز.

امروز.

و فردا.

En mijn verhaal is nog lang niet voorbij.

و داستان من هنوز تا پایان راه بسیار فاصله دارد.

Hoofdstuk ۲۲ – Een dag in Drenthe

فصل بیست و دوم – یک روز در درننه

Hoofdstuk ۲۲ – Een dag in Drenthe

فصل بیست و دوم – یک روز در درننه

Als je een provincie echt wilt leren kennen, moet je er niet alleen naar kijken.

Je moet er een dag doorbrengen.

فصل بیست و دوم – یک روز در درنته
اگر بخواهی یک استان را واقعاً بشناسی، فقط نگاه کردن کافی نیست.
باید یک روز را در آن زندگی کنی.

Niet als toerist.

Niet als bezoeker.

Maar alsof je er woont.

نه به عنوان گردشگر.
نه به عنوان بازدیدکننده.
بلکه انگار خودت ساکن آنجا هستی.

Vijf uur in de ochtend

De dag begint vroeg.

ساعت پنج صبح
روز زود آغاز می‌شود.

Boven de velden hangt nog mist.

هنوز مه روی مزارع شناور است.

Een boer stapt zijn erf op.

یک کشاورز وارد حیاط مزرعه خود می‌شود.

Hij kijkt naar de lucht.

به آسمان نگاه می‌کند.

Want in Drenthe speelt het weer nog altijd een belangrijke rol.

زیرا در درنته، آب‌وهوا هنوز نقش مهمی در زندگی روزمره دارد.

Zes uur

De koeien bewegen langzaam door de wei.

ساعت شش

گاوها آرام در مرتع حرکت می‌کنند.

Een tractor rijdt over een landweg.

تراکتوری در جاده‌ای روستایی حرکت می‌کند.

De provincie wordt wakker.

استان در حال بیدار شدن است.

Zeven uur

In Assen gaan de eerste fietsers op weg naar school.

ساعت هفت

در آسن نخستین دوچرخه‌سواران راهی مدرسه می‌شوند.

In Emmen openen winkels hun deuren.

در اِمن فروشگاه‌ها درهای خود را باز می‌کنند.

In Hoogeveen vertrekken werknemers naar hun werk.

در هوخفین کارمندان راهی محل کار می‌شوند.

Acht uur

Op de snelwegen is het drukker.

ساعت هشت

بزرگراه‌ها شلوغ‌تر می‌شوند.

Niet zoals rond Amsterdam.

نه مانند اطراف آمستردام.

Maar ook Drenthe kent ochtendspits.

اما درنته نیز ترافیک صبحگاهی خود را دارد.

Tien uur

Toeristen verschijnen in de natuurgebieden.

ساعت ده

گردشگران در مناطق طبیعی ظاهر می‌شوند.

Sommigen wandelen in het Dwingelderveld.

برخی در دوینگلدرولد پیاده‌روی می‌کنند.

Anderen bezoeken een hunebed.

برخی دیگر از یک هونبد بازدید می‌کنند.

Het verhaal van het toerisme

Toerisme is belangrijk voor Drenthe.

داستان گردشگری

گردشگری برای درنته اهمیت زیادی دارد.

Jaarlijks bezoeken miljoenen mensen de provincie.

هر سال میلیون‌ها نفر از این استان بازدید می‌کنند.

Niet voor pretparken.

نه برای پارک‌های تفریحی عظیم.

Maar voor natuur.

Voor cultuur.

Voor rust.

بلکه برای طبیعت.

فرهنگ.

و آرامش.

Wildlands

In Emmen bezoeken gezinnen Wildlands.

وایلدلندز

در امن خانواده‌ها از پارک Wildlands بازدید می‌کنند.

Kinderen kijken naar olifanten.

کودکان به فیل‌ها نگاه می‌کنند.

Naar ijsberen.

به خرس‌های قطبی.

Naar giraffen.

و به زرافه‌ها.

Voor veel gezinnen is dit hun eerste kennismaking met Drenthe.

برای بسیاری از خانواده‌ها، این نخستین آشنایی با درنثه است.

Middag

Rond het middaguur zitten terrassen vol.

ظهر

نزدیک ظهر، کافه‌ها و تراس‌ها پر می‌شوند.

In Assen.

In Meppel.

In Coevorden.

در آسن.

در میل.

و در کوفوردن.

Mensen praten.

مردم گفت و گو می کنند.

Lachen.

می خندند.

Genieten van de dag.

و از روز خود لذت می برند.

Economie achter de schermen

Terwijl bezoekers genieten, wordt er ondertussen hard gewerkt.

اقتصاد پشت صحنه

در حالی که بازدیدکنندگان سرگرم هستند، افراد زیادی مشغول کارند.

In fabrieken.

در کارخانه ها.

In kantoren.

در دفاتر.

In logistieke centra.

در مراکز لجستیکی.

In ziekenhuizen.

در بیمارستان ها.

Drenthe draait niet alleen op toerisme.

درننه فقط بر پایه گردشگری نمی چرخد.

De provincie heeft ook industrie, zorg, onderwijs en dienstverlening.

این استان دارای صنعت، خدمات درمانی، آموزش و بخش خدمات نیز هست.

Namiddag

In de middag keren scholieren terug naar huis.

بعدازظهر

بعدازظهر دانش آموزان به خانه بازمی گردند.

Sportvelden vullen zich.

زمین های ورزشی پر می شوند.

Voetbal.

Hockey.

Tennis.

فوتبال.

هاکی.

و تنیس.

Verenigingen spelen een belangrijke rol in het sociale leven van Drenthe.

انجمن ها و باشگاه ها نقش مهمی در زندگی اجتماعی درننه دارند.

De kracht van vrijwilligers

Veel clubs zouden niet bestaan zonder vrijwilligers.

قدرت داوطلبان

بسیاری از باشگاه ها بدون داوطلبان وجود نداشتند.

Zij trainen kinderen.

آن‌ها کودکان را آموزش می‌دهند.

Organiseren activiteiten.

برنامه‌ها را سازمان‌دهی می‌کنند.

En houden gemeenschappen bij elkaar.

و جوامع محلی را کنار هم نگه می‌دارند.

Avond

De zon zakt langzaam richting horizon.

عصر

خورشید آرام‌آرام به سوی افق می‌رود.

Boven de heide verandert het licht.

نور بر فراز دشت‌های هدر تغییر می‌کند.

Bossen worden donkerder.

جنگل‌ها تیره‌تر می‌شوند.

De provincie vertraagt opnieuw.

استان دوباره آرام‌تر می‌شود.

Nacht

Wanneer veel mensen slapen, gaat het leven verder.

شب

وقتی بسیاری از مردم خواب هستند، زندگی همچنان ادامه دارد.

Verpleegkundigen werken.

پرستاران کار می‌کنند.

Politieagenten surveilleren.

مأموران پلیس گشت می‌زنند.

Vrachtwagens rijden.

کامیون‌ها در جاده‌ها حرکت می‌کنند.

Eén dag vertelt alles

Misschien lijkt het een gewone dag.

یک روز، تمام داستان را روایت می‌کند
شاید این فقط یک روز عادی به نظر برسد.

Maar juist zulke dagen vertellen wat Drenthe werkelijk is.

اما دقیقاً همین روزهای عادی نشان می‌دهند که درننته واقعاً چیست.

Niet alleen hunebedden.

Niet alleen natuur.

Niet alleen geschiedenis.

نه فقط هونبدها.

نه فقط طبیعت.

و نه فقط تاریخ.

Maar mensen.

Werk.

Dromen.

Gemeenschappen.

En een provincie die iedere dag opnieuw wordt opgebouwd.

بلکه انسان‌ها.

کار.

رؤیاها.

جوامع محلی.

و استانی که هر روز دوباره ساخته می‌شود.

Hoofdstuk ۲۳ – Waarom mensen in Drenthe blijven wonen

فصل بیست و سوم – چرا مردم در درننه می‌مانند

Hoofdstuk ۲۴ – Waarom steeds meer mensen naar Drenthe verhuizen

فصل بیست و چهارم – چرا هر سال افراد بیشتری به درننه مهاجرت می‌کنند

Op een zaterdagmorgen zit een gezin in een appartement in Amsterdam.

فصل بیست و چهارم – چرا هر سال افراد بیشتری به درننه مهاجرت می‌کنند
صبح یک شنبه، خانواده‌ای در آپارتمانی در آمستردام نشسته‌اند.

Hun kinderen worden groter.

فرزندانشان بزرگ‌تر می‌شوند.

De woning wordt kleiner.

خانه کوچک‌تر به نظر می‌رسد.

De prijzen blijven stijgen.

قیمت‌ها همچنان افزایش پیدا می‌کنند.

En langzaam ontstaat een vraag.

و کم‌کم یک سؤال شکل می‌گیرد.

Zouden we ergens anders willen wonen?”“

«آیا نمی‌خواهیم جای دیگری زندگی کنیم؟»

De aantrekkingskracht van ruimte

De afgelopen jaren hebben steeds meer Nederlanders zichzelf die vraag gesteld.

جذابیت فضا

در سال‌های اخیر، هلندی‌های بیشتری این سؤال را از خود پرسیده‌اند.

En een deel van hen kwam uit bij Drenthe.

و بخشی از آن‌ها به درنته رسیدند.

Waarom?

چرا؟

Omdat ruimte schaars is geworden in veel delen van Nederland.

زیرا فضای زندگی در بسیاری از مناطق هلند کمیاب شده است.

In de Randstad wonen miljoenen mensen dicht op elkaar.

در منطقه رندستاد میلیون‌ها نفر در نزدیکی یکدیگر زندگی می‌کنند.

In Drenthe ligt dat anders.

در درنته شرایط متفاوت است.

Hier zijn nog open landschappen.

اینجا هنوز چشم‌اندازهای باز وجود دارد.

Ruime woonwijken.

محله‌های جادار.

En dorpen waar de lucht letterlijk groter lijkt.

و روستاهایی که آسمان در آن‌ها واقعاً بزرگ‌تر به نظر می‌رسد.

De woningmarkt

Een belangrijk verschil zit in de huizenmarkt.

بازار مسکن

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها در بازار مسکن دیده می‌شود.

Hoewel ook in Drenthe huizen duurder zijn geworden, liggen de prijzen gemiddeld nog lager dan in veel delen van de Randstad.

اگرچه در درن‌ته نیز قیمت خانه‌ها افزایش یافته، اما به طور متوسط هنوز از بسیاری مناطق رندستاد پایین‌تر است.

Daardoor kunnen gezinnen soms een grotere woning kopen.

به همین دلیل خانواده‌ها گاهی می‌توانند خانه‌ای بزرگ‌تر خریداری کنند.

Met een tuin.

با یک باغچه.

Met meer leefruimte.

و فضای زندگی بیشتر.

Thuiswerken

De coronaperiode veranderde veel.

کار از خانه

دوران کرونا بسیاری چیزها را تغییر داد.

Mensen ontdekten dat zij niet iedere dag naar kantoor hoefden.

مردم فهمیدند که لازم نیست هر روز به دفتر کار بروند.

Daardoor werd wonen buiten de grote steden aantrekkelijker.

و همین موضوع زندگی خارج از شهرهای بزرگ را جذاب‌تر کرد.

Nieuwe inwoners

In gemeenten zoals Tynaarlo, Midden-Drenthe, Noorderveld en Aa en Hunze kwamen nieuwe bewoners wonen.

ساکنان جدید

Aa en Hunze و Noorderveld، Midden-Drenthe، Tynaarlo در شهرداری‌هایی مانند ساکنان جدیدی مستقر شدند.

Sommigen kwamen uit Utrecht.

بعضی از اوترخت آمدند.

Anderen uit Amsterdam.

برخی از آمستردام.

Of uit Den Haag.

یا از لاهه.

Een nieuwe balans

Niet iedereen verhuist naar Drenthe.

تعادل جدید

البته همه به درننه مهاجرت نمی‌کنند.

Veel jongeren vertrekken juist voor studie of werk.

بسیاری از جوانان برای تحصیل یا کار از استان خارج می‌شوند.

Maar tegelijkertijd komen er nieuwe inwoners bij.

اما هم‌زمان ساکنان جدیدی نیز وارد استان می‌شوند.

En dat verandert de provincie langzaam.

و این موضوع به آرامی استان را تغییر می‌دهد.

Hoofdstuk ۲۵ – Veenhuizen, het bijzondere dorp van Nederland

فصل بیست و پنجم – فین‌هاوزن، یکی از خاص‌ترین روستاهای هلند

Wanneer bezoekers voor het eerst in Veenhuizen aankomen, merken zij vaak dat dit geen gewoon dorp is.

فصل بیست و پنجم – فین‌هاوزن، یکی از خاص‌ترین روستاهای هلند

وقتی بازدیدکنندگان برای نخستین بار به فین‌هاوزن می‌رسند، معمولاً متوجه می‌شوند که این یک روستای معمولی نیست.

Een sociaal experiment

In de negentiende eeuw ontstond hier een bijzonder idee.

یک آزمایش اجتماعی

در قرن نوزدهم ایده‌ای ویژه در این منطقه شکل گرفت.

Nederland kende veel armoede.

هلند با فقر گسترده روبه‌رو بود.

Duizenden mensen leefden onder moeilijke omstandigheden.

هزاران نفر در شرایط دشوار زندگی می‌کردند.

De Maatschappij van Weldadigheid

Een organisatie probeerde daar iets aan te doen.

انجمن نیکوکاری

سازمانی تلاش کرد برای این مشکل راه‌حلی پیدا کند.

Die organisatie heette de Maatschappij van Weldadigheid.

نام این سازمان «انجمن نیکوکاری» بود.

Zij stichtte kolonies waar arme gezinnen een nieuw bestaan konden opbouwen.
این سازمان مستعمره‌هایی ایجاد کرد تا خانواده‌های فقیر بتوانند زندگی جدیدی آغاز کنند.

Veenhuizen ontstaat

Zo ontstond Veenhuizen.

شکل‌گیری فین‌هاوزن

و به این ترتیب فین‌هاوزن به وجود آمد.

Het dorp kreeg een heel bijzondere geschiedenis.

این روستا تاریخ بسیار ویژه‌ای پیدا کرد.

Gevangenisdorp

Later werd Veenhuizen vooral bekend door gevangenen.

روستای زندان‌ها

بعدها فین‌هاوزن بیشتر به خاطر زندان‌هایش شناخته شد.

Tot op de dag van vandaag spelen zij een belangrijke rol.

و تا امروز نیز نقش مهمی دارند.

UNESCO

De geschiedenis van de Koloniën van Weldadigheid werd uiteindelijk zo
bijzonder gevonden dat delen ervan op de UNESCO Werelderfgoedlijst
terechtkwamen.

یونسکو

تاریخ «مستعمره‌های نیکوکاری» آن‌قدر ویژه شناخته شد که بخشی از آن در فهرست میراث جهانی
یونسکو ثبت شد.

Gevangenis museum

Vandaag bezoeken duizenden toeristen het Gevangenis museum.

موزه زندان

امروزه هزاران گردشگر از موزه زندان بازدید می‌کنند.

Daar leren zij hoe straf, armoede en sociale zorg zich door de eeuwen heen hebben ontwikkeld.

در آنجا بازدیدکنندگان می‌آموزند که نظام مجازات، فقر و مراقبت اجتماعی چگونه در طول تاریخ تغییر کرده‌اند.

Meer dan een dorp

Veenhuizen is daardoor veel meer dan een klein dorp.

چیزی فراتر از یک روستا

به همین دلیل فین‌هاوزن بسیار فراتر از یک روستای کوچک است.

Het vertelt een belangrijk hoofdstuk uit de Nederlandse geschiedenis.

این روستا بخشی مهم از تاریخ اجتماعی هلند را روایت می‌کند.

Hoofdstuk ۲۶ – Drenthe in cijfers en feiten

فصل بیست و ششم – درنته در آمار و واقعیت

Om Drenthe echt te begrijpen, moeten we ook naar de cijfers kijken.

فصل بیست و ششم – درنته در آمار و واقعیت

برای شناخت کامل درنته، باید به آمارها نیز نگاه کنیم.

Drenthe behoort tot de dunst bevolkte provincies van Nederland.

درنته یکی از کم‌تراکم‌ترین استان‌های هلند است.

Dat betekent niet dat er weinig mensen wonen.

این به آن معنا نیست که افراد کمی در آن زندگی می‌کنند.

Maar wel dat er relatief veel ruimte is.

بلکه به این معناست که فضای بیشتری نسبت به جمعیت وجود دارد.

Bevolking

Meer dan een half miljoen mensen wonen in Drenthe.

جمعیت

بیش از نیم میلیون نفر در درننه زندگی می‌کنند.

De grootste gemeenten zijn Emmen, Assen en Hoogeveen.

بزرگترین شهرداری‌ها عبارت‌اند از امن، آسن و هوخفین.

Vergrijzing

Net als veel andere regio's heeft Drenthe te maken met vergrijzing.

سالمندی جمعیت

درننه نیز مانند بسیاری از مناطق دیگر با افزایش سن جمعیت روبرو است.

Het aandeel ouderen ligt relatief hoog.

سهم سالمندان در جمعیت نسبتاً بالاست.

Werkgelegenheid

Belangrijke sectoren zijn:

اشتغال

بخش‌های مهم اقتصادی عبارت‌اند از:

Landbouw.

Voedingsindustrie.

Logistiek.

Zorg.

Toerisme.

Techniek.

کشاورزی.
صنایع غذایی.
لجستیک.
درمان.
گردشگری.
و فناوری.

Oppervlakte

Drenthe behoort tot de grotere provincies van Nederland qua oppervlakte.

مساحت

از نظر وسعت، درننه جزو استان‌های بزرگ هلند محسوب می‌شود.

Maar niet qua bevolking.

اما از نظر جمعیت نه.

En precies dat maakt de provincie uniek.

و دقیقاً همین موضوع، درننه را خاص می‌کند.

Veel ruimte.

Veel natuur.

En toch een complete samenleving.

فضای زیاد.

طبیعت فراوان.

و در عین حال یک جامعه کامل و پویا.

Hoofdstuk ۲۷– Bargerveen, het laatste grote hoogveen

فصل بیست و هفتم – بارخرفین، آخرین باتلاق بزرگ مرتفع

Hoofdstuk ۲۷– Bargerveen, het laatste grote hoogveen

فصل بیست و هفتم – بارخرفین، آخرین باتلاق بزرگ مرتفع

Aan de oostkant van Drenthe, vlak bij de Duitse grens, ligt een gebied dat anders aanvoelt dan de rest van de provincie.

فصل بیست و هفتم – بارخرفین، آخرین باتلاق بزرگ مرتفع
در شرق درننه، نزدیک مرز آلمان، منطقه‌ای قرار دارد که حس متفاوتی نسبت به سایر بخش‌های
استان دارد.

Het is donkerder.

Natter.

Ouder in gevoel.

اینجا تاریک‌تر است.

مرطوب‌تر.

و از نظر حس، کهن‌تر.

Een uniek natuurgebied

Bargerveen is een van de laatste stukjes hoogveen in West-Europa.

یک منطقه طبیعی منحصر به فرد

بارخرفین یکی از آخرین بخش‌های باتلاق مرتفع در اروپای غربی است.

Dat maakt het bijzonder waardevol.

و همین آن را بسیار ارزشمند می‌کند.

Veen als landschap

Veen is geen gewoon land.

تورب به عنوان چشم‌انداز

تورب یک زمین معمولی نیست.

Het is ontstaan door duizenden jaren van plantenresten die langzaam zijn
opgebouwd.

این منطقه در نتیجه هزاران سال تجمع بقایای گیاهی شکل گرفته است.

Water speelt daarbij een belangrijke rol.

آب نقش مهمی در این فرآیند دارد.

Leven op het veen

In het Bargerveen leven bijzondere dieren en planten.

زندگی در باتلاق

در بارخرفین حیوانات و گیاهان خاصی زندگی می‌کنند.

Vogels die je niet overal ziet.

Insecten die afhankelijk zijn van dit specifieke ecosysteem.

پرندگانی که همه جا دیده نمی‌شوند.

و حشراتی که به این اکوسیستم وابسته هستند.

Bescherming

Omdat dit gebied zo zeldzaam is, wordt het goed beschermd.

حفاظت

به دلیل کمیاب بودن این منطقه، به‌خوبی محافظت می‌شود.

Natuurorganisaties werken eraan om het veen te behouden.

سازمان‌های محیط‌زیستی برای حفظ این باتلاق تلاش می‌کنند.

Wandelgebied

Voor bezoekers is het Bargerveen een rustige plek om te wandelen.

منطقه پیاده‌روی

برای بازدیدکنندگان، بارخرفین مکانی آرام برای پیاده‌روی است.

Lange paden door open landschap.

Stilte overal om je heen.

مسیرهای طولانی در چشم‌انداز باز.
و سکوتی که همه‌جا را پر کرده است.

Grensland

Omdat het zo dicht bij Duitsland ligt, zie je hier ook grenslandschap.

منطقه مرزی

از آنجا که این منطقه نزدیک آلمان است، چشم‌انداز مرزی نیز دیده می‌شود.

Een mix van Nederlandse en Duitse natuurinvloeden.

ترکیبی از تأثیرات طبیعی هلندی و آلمانی.

Hoofdstuk ۲۸– De toekomst van Drenthe

فصل بیست و هشتم – آینده درننه

Als we naar de toekomst kijken, zien we een provincie die blijft veranderen.

فصل بیست و هشتم – آینده درننه

اگر به آینده نگاه کنیم، استانی را می‌بینیم که همچنان در حال تغییر است.

Niet snel.

Niet abrupt.

Maar geleidelijk.

نه سریع.

نه ناگهانی.

بلکه به‌تدریج.

Bevolking en vergrijzing

Drenthe krijgt te maken met een ouder wordende bevolking.

جمعیت و سالمندی

درننه با جمعیتی در حال پیر شدن مواجه است.

Dat betekent dat zorg belangrijker wordt.

این یعنی خدمات درمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

Zorg en werk

Ziekenhuizen, thuiszorg en zorginstellingen spelen een grote rol.

درمان و اشتغال

بیمارستان‌ها، مراقبت‌های خانگی و مراکز درمانی نقش مهمی دارند.

Het aantal banen in de zorg groeit.

تعداد شغل‌ها در بخش درمان در حال افزایش است.

Energie

Duurzame energie wordt steeds belangrijker.

انرژی

انرژی پایدار اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

Zonnepanelen op daken.

Windmolens in het landschap.

پنل‌های خورشیدی روی سقف‌ها.

و توربین‌های بادی در چشم‌انداز.

Drenthe draagt bij aan de energietransitie van Nederland.

درننته در گذار انرژی هلند نقش دارد.

Wonen en werken

Steeds meer mensen ontdekken dat je niet in een grote stad hoeft te wonen om goed te leven.

زندگی و کار

بسیاری از مردم متوجه شده‌اند که برای زندگی خوب نیازی به شهر بزرگ نیست.

Thuiswerken maakt dat mogelijk.

کار از خانه این امکان را فراهم کرده است.

Drenthe wordt daardoor aantrekkelijker voor nieuwe bewoners.

و به همین دلیل درنثه برای ساکنان جدید جذابتر شده است.

Toerisme groeit

Ook toerisme blijft belangrijk.

رشد گردشگری

گردشگری نیز همچنان اهمیت دارد.

Maar met aandacht voor natuurbehoud.

اما با توجه به حفاظت از طبیعت.

Niet massatoerisme.

Maar duurzaam toerisme.

نه گردشگری انبوه.

بلکه گردشگری پایدار.

Identiteit blijft

Ondanks alle veranderingen blijft de kern van Drenthe hetzelfde.

هویت باقی می ماند

با وجود همه تغییرات، هسته اصلی درنثه ثابت می ماند.

Ruimte.

Rust.

Natuur.

Menselijkheid.

فضا.
آرامش.
طبیعت.
و انسانیت.

Slotgedachte

Misschien is Drenthe geen provincie die je snel begrijpt.

اندیشه پایانی
شاید درننه استانی نباشد که سریع آن را بشناسی.

Maar wel een provincie die je langzaam leert waarderen.

اما استانی است که کم‌کم یاد می‌گیری دوستش داشته باشی.

En juist daardoor blijft zij in het geheugen van mensen hangen.

و دقیقاً به همین دلیل در ذهن مردم باقی می‌ماند.

Einde van Drenthe

پایان درننه